

تحلیلی بر سیاست‌های رسانه‌ای ماهواره‌ای با تکیه بر تجربه کشورهای آسیایی

مقدمه:

مقاله حاضر می‌کوشد با استفاده از تجربه‌های سیاستگذاری ماهواره‌ای در کشورهای آسیایی، به بررسی انتقادی سیاست رسانه‌های ماهواره‌ای ایران بپردازد. برای پاسخ به سوال‌های مربوط به سیاست رسانه‌ای مطلوب، مقاله در ابتدا به شرح و توصیف عصر "فناوری اطلاعات و ارتباطات" می‌پردازد و سپس مفهوم سیاستگذاری رسانه‌ای در دوران معاصر را به طور خلاصه توضیح می‌دهد. وضعیت ماهواره در کشورهای آسیایی و بهره‌وری از کانال‌ها و برنامه‌های مورد قبول در این کشورها، نقایص سیاست ماهواره‌ای ایران را نشان می‌دهد: عدم توجه به اصل بهره‌وری و تکیه بیش از حد به ممنوعیت قانونی، از عمده‌ترین دلایل عدم موفقیت در کنترل مصرف ماهواره‌ای مردم و جلوگیری از پیامدها سوء آن بوده است.

عصر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی

جهان از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی به تدریج وارد عصر نویتی شده است. امروزه براساس اعتقاد بسیاری از دانشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، عرصه زندگی اجتماعی آن چنان دگرگون شده که فهم و درک چستی آن با مفاهیم و نظریه‌های قدیم عملی نیست. عصر نوین، معمولاً با اصطلاحات نظری جدیدی توصیف و تبیین می‌شود: جهانی شدن، عصر (انفجار) اطلاعات، عصر رسانه‌ها، جامعه اطلاعاتی و جامعه شبکه‌ای برخی از این مفاهیم اند. البته نظریه پردازی‌های مربوط به چستی و چرایی جهان معاصر به این مفاهیم محدود نمی‌شود. گذشته از این، نظریه‌های موجود به لحاظ نوع رویکرد، سطح تحلیل و پیش‌بینی روندهای، آتی تفاوت‌های ژرفی با یکدیگر دارند و تنها وجه مشترک بین آنها به کارگیری عبارات مشابه است نه مفاهیم یکسانی که از آنها برداشت می‌شود. با این حال، مرور ادبیات موجود نشان می‌دهد یک عامل خاص در تمام نظریه پردازی‌های مربوط به جهان معاصر حضور موثر دارد. هر چند میزان اثرگذاری آن در مدل‌هایی متفاوت- از تک عامل جبر گرایانه تا چند عامل نسبیت گرایانه - مورد تحلیل و توجه قرار می‌گیرد. این عامل همیشه و در همه جا حاضر، فناورهای جدید اطلاعاتی و ارتباطی (Information and Communication Technologies/ICTs) است که توسط شرکت‌های بزرگ بین‌المللی با وابسته به دولت‌ها توسعه یافته و در مدت بسیار کوتاهی به کالای ضروری و شخصی تبدیل شده اند. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICTs) مجموعه‌ای وسیع و متنوع از فناوری‌هایی هستند که برای برقراری ارتباط میان انسان‌ها (ارسال و دریافت انواع پیام‌های کلامی، صوتی و تصویری) و نیز برای تولید انتشار، نگهداری و بازیابی اطلاعات به کار می‌روند. ICTs ترکیبی از سخت‌افزار، نرم‌افزار، رسانه‌ها و حتی سیستم‌های توزیع و پخش اطلاعات و محتوا را شامل می‌شود. این فناوری‌ها سابقه‌ای طولانی دارند اما ظهور و رواج بسیار سریع رایانه‌ای شخصی، ویدئو، ماهواره‌ای ارتباطی (پخش مستقیم) اینترنت و نظایر آن در طول دو دهه گذشته، موجب شد که ICTs به عنوان عامل اصلی دنیای جدید معرفی شود.

ترکیب مدارهای رایانه‌ای با پایانه‌های ارتباطی، به دیجیتالی‌سازی و مینیاتوری‌سازی این فناوری‌ها و این، به نوبه خود، به افزایش ظرفیت و سرعت تولید، نگهداری، بازیابی، ارسال و دریافت اطلاعات و محتوا و نیز ادغام رسانه‌های قدیمی در یکدیگر و ترکیب کانال‌های ارتباطی نوشتاری، صوتی و تصویری منجر شد. در شرایط فعلی، صنایع جهانی سخت‌افزار و نرم‌افزار ارتباطی و رسانه‌ای در سایه تغییر جهانی سیاست‌ها (نظیر خصوصی‌سازی و مقررات زدایی) به گسترش جغرافیایی بازارهای تولیدات خود می‌پردازند. این شرکت‌ها با اتصال دستگاه‌های ارسال و دریافت به یکدیگر، جوامع و کل جهان را به شبکه‌های فرامرزی و در هم تنیده‌ای از تولیدکنندگان، توزیع

کنندگان و مصرف کنندگان تبدیل می کنند و در نتیجه تغییرات فوق، افراد و اجتماعات واقع در اقصی نقاط دنیا امکان دسترسی به حجم نا محدودی از اطلاعات و محتوا را به دست می آورند.

ICTs به طور مستقیم و غیر مستقیم بر تمام عرصه ها و سطوح حیات فردی و جمعی انسان های معاصر اثرات گسترده و عمیقی گذاشته اند. این فناوری ها تمام عرصه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را به نحوی گسترده، عمیق و ماندگار دگرگون کرده اند. از سوی دیگر تمام سطوح ساختار جوامع- از تک تک افراد، گروهها و جماعت ها، تا همه نهادها و سازمان ها و اساساً کلیت ساختارهای زندگی جمعی- شاهد تغییرات بنیادین در شرایط و عوامل موثر بر هستی خود بوده اند و پیش از پیش خواهند بود. در دنیای معاصر، شیوه های متفاوتی می اندیشند، بر می گزینند و رفتار می کنند. از بین رفتن کارکرد بازدارنده فاصله مکانی و ایجاد امکان برقراری ارتباط همزمان با دور دست ها موجب دگرگونی فرآیند هویت یابی جمعی افراد شده و خلق گروهها و جماعت های مجازی، دور از هم اما در دسترس را عملی کرده است.

البته نو آوری در عرصه ICTs به پایان نرسیده است. در نتیجه، احساسات انسانی (اعم از امیدواری یا یاس) در نظریه پردازی ها و سناریو سازی علمی نیز حضوری اثر گذار دارد. همانند هر نو آوری بنیادین فکری یا فنی دیگر در طول تاریخ بشر، نگرش های جاری نسبت به ICTs را می توان بر روی طیفی قرار داد که از خوش بینی تا واقع گرایی و یا بدبینی نوسان دارد. برخی از نظریه پردازان ICTs را عامل ایجاد یک اتوپای دیجیتالی (Digital Utopia) می دانند که در آن، انواع سرکوب های استعداد انسانی و آزادخواهی مجازی به تقویت دموکراسی واقعی منجر می شود. اما از سوی دیگر، برخی بر این باورند که فناوری ها امکان نظارت و کنترل صاحبان قدرت را (در سطح ملی و جهانی) بر اعمال و حتی افکار و باورهای مردم و ملت ها افزایش داده و کابوس جامعه وحشت و دیستوپایی را در قالب کامل ترین نظام سلطه گر متجلی می کنند. گروه نخست، در شوق جامعه آزاد و برابر و انسان فرهیخته و متعالی اند و گروه دوم، در بیم از جامعه در بند و ناعادلانه و انسان سرگشته و نازل.

همان گونه که کاستلز (آ، ۱۳۸۰) معتقد است. هر دو گروه خوش بین و بدبین نسبت به قابلیت ها و اثرات ICTs در دام جبرگرایی فنی گرفتار آمده اند و بر این باور بنیادین اصرار دارند که فناوری به تنهایی عامل و علت اصلی تغییرات به وجود آمده است. در حالی که ICTs و به طور کلی همه فناوری ها خود محصول نیروهای اجتماعی و جهانی اند و کاربرد و آثار نهایی آنها با تعامل دیالکتیکی با نیروهای اجتماعی و عواملی نظیر فرهنگ، نظام، فرهنگ، نظام حقوقی، نظام اقتصادی و ... و نیز اراده و آگاهی افراد و سازمان ها (و حکومت ها به عنوان گسترده ترین و قدرتمندترین ساختار جوامع) تعیین می شود. به عبارت دیگر، جبر فناورانه با اراده فردی و جمعی انسان ها کنترل، مهار و هدایت می شود.

در شرایط جاری، سازمان های متولی امور و فعالیت های مربوط به عرصه های سیاست، فرهنگ، اقتصاد و ... برای حفظ دلیل وجودی و توفیق در انجام وظایف خود ناچار از ایجاد تغییر در رویکردهای مرسوم و سیاستگذاری و برنامه ریزی متناسب با شرایط، ضرورت ها و واقعیت های جدیداند. آنچه در دوران معاصر حائز اهمیت است، درک کامل قابلیت ها و شرایط عینی جامعه و جهان پیش روی و تلاش برای ایجاد مطلوب ترین ترکیب از مزایا و مضرات جبری و محتمل مترتب بر فناوری های جدید اطلاعاتی و ارتباطی است. به عبارت دیگر، تلاش برای افزایش مزایای مورد انتظار و کاستن مخاطرات ناشی از ICTs برای افراد و کلیت جامعه (از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره) اساس و هدف سیاستگذاری ارتباطی و رسانه ای را تشکیل می دهد. بخش بعدی این نوشتار، به طور بسیار خلاصه مفهوم سیاستگذاری و قانونگذاری رسانه ای و پدیده های معاصر مرتبط با آن را به بحث می گذارد.

سیاستگذاری رسانه ای در عصر جدید

پیشرفت های فنی پدید آمده در فناوری های جدید اطلاعاتی و ارتباطی، امکان ارسال و دریافت محتوای پیام ها از فواصل دور دست و کوچک تر و ساده تر شدن مداوم فناوری های دریافت و مصرف را فراهم آورده است. ترکیب

شدن ویژگی‌ها با تغییرات سیاسی (نظیر خصوصی سازی و مقررات زدایی) در سطوح ملی و بین‌المللی نتیجه‌ای بسیار جدی برای سیاست‌های رسانه‌ای دولت‌های ملی و کشورها داشته است. امروزه حکومت‌ها در سیاستگذاری رسانه‌ها جایگاه انحصاری خود را از دست داده‌اند و ناچارند که این سیاستگذاری را با توجه به نقش و جایگاه بازیگران بی‌شمار داخلی و خارجی انجام دهند.

سیاست رسانه‌ای و ارتباطی، بخشی از سیاست عمومی (public policy) است که باید‌ها، نبایدها و نحوه تخصیص منابع در حوزه رسانه‌ها و ارتباطات (مالکیت، سازمان، قانون‌گذاری، محتوا، توزیع، دسترس و مسائل مشابه) را هدایت می‌کند. اما تکثیر فناوری‌ها رسانه‌ای (بخشی از منابع) و بین‌المللی شدن پخش محتواهای رسانه‌ای موجب ظهور گروه‌ها و سازمان‌های ذیربط و ذینفع جدید در درون و خارج از مرزهای ملی حاکمیت‌ها شده است. این بازیگران به‌طور آشکار و نهان خواهان اثرگذاری بر سیاستگذاری ملی و بین‌المللی هستند و در صورت نادیده گرفته شدن خواسته‌ها و منافعشان در سیاست‌های اتخاذ شده امکان تمهید راه‌های جایگزین را (خواه قانونی و یا غیر آن) برای تضمین خواسته‌ها و منافع خویش دارند. به‌طور مشخص، خواسته‌توده‌های وسیعی از مردم در خصوص محتواهای خبری و تفریحی رسانه‌های جمعی، از یک سو و منافع اقتصادی و سیاسی سازمان‌های رسانه‌ای مستقل یا وابسته به سایر حکومت‌ها، از سوی دیگر، می‌تواند تلاقی کرده و مانند یک قیچی سیاست‌های صرفاً مبتنی بر محدودیت و ممنوعیت را غیر قابل اجرا سازد. در نتیجه، سیاستگذاری ملی رسانه‌ای، در مقایسه با دهه‌های گذشته، نیاز به توجه جدی‌تر به خواسته‌ها و رجحان‌های رسانه‌ای مردم و گروه‌های مختلف آنها دارد و عرصه سیاستگذاری را باید به فعالیت‌های اقتصادی و حقوقی مرتبط در درون سازمان‌های جهانی توسعه دهد. تغییر نخست معمولاً با سیاست تکثر رسانه‌ای پی‌گیری می‌شود. درحالی‌که تغییر دوم، مستلزم مشارکت فعالانه‌تر در عرصه سیاستگذاری بین‌المللی است. تغییر شایان توجه دیگری که در مفهوم سیاست رسانه‌ای ارتباطی به وقوع پیوسته به ادغام عرصه‌ها و فناوری‌های سابقاً قابل تفکیک (ارتباطی و رسانه‌ای)، اطلاعاتی (مخابراتی) در یکدیگر مرتبط است. امروزه مرز بین فناوری‌های رسانه‌ای و ارتباطات راه دور در حال محو شدن است و در نتیجه سیاستگذاری باید جامع‌نگرانه و با در نظر گرفتن عناصر سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در محیط فنی از ادغام و همگرایی سیستم‌های فنی متعدد انجام گیرد.

با توجه به تغییرات فوق، برخی از دانشمندان برآنند که در شرایط جاری، سیاست عمومی و به‌ویژه سیاست ارتباطی و رسانه‌ای را باید به عنوان تلاش برای ایجاد تعادل معقول بین نیروهای تغییر‌گرا و محافظت‌گرا تعریف کرد. این رویکرد در درون پژوهش‌های آکادمیک در حوزه سیاست‌های ارتباطی و رسانه‌ای سوال‌های بسیاری را مطرح کرده است که پاسخگویی به آنها پیش‌نیاز اقدام عملی برای سیاستگذاری یا تغییر سیاست‌های جاری خواهد بود. نحوه عمل برای توسعه یا ممانعت از گسترش فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، قطع تعادل مطلوب بین بخش خصوص و عمومی در مالکیت و اداره سازمان‌ها و محتوا، میزان توجه به تکثر رسانه‌های و محتوایی یا شیوه مناسب برای تداوم مدل‌های انحصارگرایی، میزان و شیوه مناسب برای قانون‌گذاری یا مقررات زدایی و امثال اینها از جمله سوال‌های پایه‌ای حوزه سیاستگذاری رسانه‌ای و ارتباطی است.

این سوال‌ها در مباحث عمیق و گسترده‌تر نظری و عملی مطرح می‌شوند و پاسخگویی به آنها نیز باید با توجه به همین مباحث ارائه شود. این مباحث را معمولاً در دو قطب متضاد زیر نمایش می‌دهند: الف) این سوال که تغییر فرهنگی و سیاسی از رسانه‌ها آغاز می‌شود یا از خود جامعه، به دو دسته نظریه متفاوت رسانه محور و جامعه محور منجر می‌شود. نظریات رسانه محور خود فناوری یا حتی محتوای رسانه‌ها را عامل اصلی تغییر می‌دانند و حتی، در مواردی، تا آنجا پیش می‌روند که آزادی خواهی سیاسی، فردگرایی ناسیونالیسم و افول ایدئولوژی را نتیجه و تابع ظهور و رواج رسانه‌های مدرن (نظیر مطبوعات و سپس رسانه‌های الکترونیکی و دیجیتال) معرفی می‌کنند. از سوی دیگر، نظریات جامعه محور، فناوری‌ها و محتوای آنها را برآیند تغییرات سیاسی و معرفی جوامع و تنها عامل گسترش بیشتر تغییرات می‌دانند. به عبارت دیگر، نظریات رسانه محور،

جامعه (افراد و نیز فرهنگ و سیاست) را مقهور قدرت بلا منازع رسانه‌ها و نظریات جامعه‌محور، رسانه‌ها را محصول و تابع فرهنگ و ساختارهای اقتصادی-سیاسی غالب و یا در هر حال، موجود در جامعه بشری می‌دانند. (ب) سوال دوم، که ماهیتی بیشتر ایدئولوژیک دارد، به رویکرد تکثر گرا یا سلطه‌گرا در مورد رسانه‌ها مربوط است. این تقابل ریشه در این اصل دارد که رسانه‌ها می‌توانند عامل وحدت گرا یا تکثر گرا باشند و از این رو، فلسفه اجتماعی مبتنی بر هژمونی و سلطه متمرکز، اشکال مختلف سیاست رسانه‌ای وحدت‌گرایانه اجتماعی مبتنی بر فرد‌گرایی و فلسفه تکثر‌گرایی فرهنگی و ساختاری، مدل‌های گوناگون سیاست ارتباطی تکثر گرا را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهند. علاوه بر دو قطب متضاد فوق (رسانه محور در برابر جامعه محور و تکثرگرا در برابر سلطه‌گرا) تقاب‌های دیگری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای مثال، برخی به تضاد رویکرد مبتنی بر مرکز‌گرایی در برابر گریزی و نیز رویکرد مبتنی بر فرهنگ‌گرایی در مقابل علمی اشاره کرده‌اند. همان‌گونه که از تقابل‌های نظری و سیاستی فوق بر می‌آید، اصول راهنمای سیاستگذاری از مبانی فلسفی، علمی و نیز ایدئولوژیک و هنجاری اخذ می‌شوند و از این رو، در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، سیاست‌های رسانه‌ای و ارتباطی را آینه روند تغییرات فنی یا تحولات در نوع رویکرد و رجحان سیاستگذاران تلقی کنند. مباحث مطرح شده به هیچ وجه به این معنا نیست که در شرایط جدید رسانه‌ای، رجحان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای مورد تأکید سیاستگذاران، به دلیل تغییر شرایط فنی و جهانی، در سیاستگذاری دخالت داده نشوند. قطعاً ارزش‌های ناظر بر نگرش‌ها و رفتارهای افراد و نیز هنجارهای حاکی از عدالت و برابری، آزادی، حاکمیت ملی و نظایر آنها، جزء پایه‌های تشکیل‌دهنده حیات جمعی و در نتیجه، از مبانی مشروعیت ساختارهای قدرت و سیاستگذاری‌اند و نمی‌توان و نباید آنها را نادیده گرفت بلکه، این مباحث موید این نکته است که سیاستگذاری رسانه‌ای و ارتباطی باید بر پایه شناخت واقعیت پیچیده شرایط فنی ICTs و جهان معاصر و ترکیب منطقی مجموعه شناخت‌های علمی (در خصوص نقش اثرگذار رسانه‌های جمعی در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) و رجحان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای دارای نقش و اولویت مشخص انجام گیرد. حداقل خسران ناشی از عدم توجه به اصل فوق آن خواهد بود که در نتیجه اتخاذ سیاستی یک‌بعدی و کوتاه‌برد، بسیاری از حوزه‌های نیازمند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی نادیده گرفته شود و پس از مدتی کوتاه، هیچ‌گونه وفاق وحدت‌آفرین بین سطوح مختلف سیاستگذاری یا حتی مردم تابع سیاست‌ها قابل تشخیص نباشد. اجازه دهید، پس از این بحث مختصر در خصوص سیاستگذاری رسانه‌ای، نگاهی کوتاه به تاریخچه پدیده ماهواره پخش مستقیم و تغییرات سیاست‌های سایر کشورها در برابر آن داشته باشیم.

ماهواره پخش مستقیم (dbs): تاریخچه و سیاست‌های ملی

تاریخ ماهواره‌ها را به مقاله آرتور سی کلارک، علمی‌نویس مشهور، نسبت می‌دهند که در اکتبر ۱۹۴۵، طی مقاله‌ای ابراز داشت با سه ماهواره واقع در فاصله ۳۶۰۰۰ کیلومتری زمین می‌توان تمام سطح آن را تحت پوشش امواج قرار داد. البته پیش از وی نیز دانشمندان آلمانی هتلیری پژوهشهای فراوانی در این خصوص انجام داده بودند و مهاجرت این افراد به آمریکا و شوروی سابق، به انتقال سریع تجارب و اسناد تحقیقاتی و رد صنایع ماهواره‌ای این دو کشور رقیب منجر شده بود. این دو کشور، با هدف بهره‌برداری نظامی، به رقابت با یکدیگر پرداختند و به تدریج، ماهواره‌ای هواشناسی، مطالعه جو و سطح زمین و دریا، ناوبری هوایی و دریایی و نظایر آنها را در مدار زمین قرار دادند. اولین ایده مربوط به استفاده از ماهواره‌ای مخابراتی در اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی ابراز شد و این ماهواره‌ها از اوایل دهه ۱۹۶۰، به تدریج در مدار زمین قرار گرفتند.

در طول دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، عمده‌ترین کاربرد ماهواره‌های مخابراتی عبارت بود از انتقال مکالمات تلفنی و تصاویر تلویزیونی از یک ایستگاه زمینی به ایستگاه زمینی دیگر (این ماهواره‌های نقطه‌به‌نقطه را FSS می‌نامیدند). نکته مهم در این دو دهه آن بود که تقریباً تمام فعالیت‌های مخابراتی و تلویزیونی ماهواره‌ای توسط وزارتخانه‌ها یا سازمان‌های دولتی صورت می‌گرفت و در نتیجه اعمال حاکمیت و کنترل ایستگاه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌ای محقق می‌شد.

در طول این دوران، تولید و ارسال ماهواره ها به مدار زمین، صنعت پر هزینه و سود آور که با ایجاد رقابت شدید بین کشورها و صنایع بزرگ جهانی و نیز فناوری های توزیعی دیگر (به ویژه کابل نوری) موجبات رشد سریع فناوری ماهواره ای را فراهم آورد. این فناوری ها در دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی کوشیدند تا ظرفیت انتقال محتوا و قدرت پخش خود را افزایش داده و از محدوده فرکانس وسیع تری که پیش از این بدون استفاده بود، بهره گیرند. هم چنین تلاش برای افزایش کارایی ماهواره ها موجب توجه جدی سرمایه گزاران به قابلیت های حاصل از قرار دادن ماهواره ها در مدارهای پایین تر شد و در نتیجه چندین برنامه وسیع جهانی برای استفاده از ماهواره های پایین مدار (LOW Earth یا Leo) و میانه مدار (meo یا Medium EARTH orbit) در سال های اخیر راه اندازی شد که در سال های آتی به بهره برداری خواهد رسید.

اولین ماهواره مخابراتی که در مدار همزمان زمین (GES) قرار گرفت ماهواره Anik A-1 کانادا بود که در سال ۱۹۷۲ توسط اتحادیه رادیو - تلویزیون این کشور (CBC) در مدار زمین قرار گرفت و برای اتصال ایستگاههای FSS (نه پخش مستقیم برای گیرندگان) مورد استفاده واقع شد. اولین ماهواره پخش مستقیم برای گیرندگان نیز در سال ۱۹۷۶ (با نام hermes در همین کشور به کار گرفته شد. اولین ماهواره پخش مستقیم تلویزیونی (DBS) آسیا در سال ۱۹۸۴ در کشور ژاپن با نام Yuri-2A به فضا پرتاب شد که سرریز امواج آن به جزایر کشورهای همسایه مسئله ساز گردید . اما تبدیل شدن پخش مستقیم ماهواره ای به یک مسئله مهم جهانی، با پرتاب ماهواره ASTRA در دسامبر ۱۹۹۸ و آغاز فعالیت آن در فوریه ۱۹۸۹ واقع شد. در قاره آسیا، این پدیده با پرتاب ماهواره Asia Sat 1 در آوریل ۱۹۹۰ و آغاز پخش مستقیم تلویزیونی توسط شرکت هنگ کنگ STAR TV در اکتبر ۱۹۹۱، به طور جدی مطرح شد. استفاده از کانال های تلویزیونی این ماهواره در مناطق حاشیه ای (برای مثال، در ایران) تنها با بشقاب هایی به قطر سه متر عملی بود اما تقویت امواج، در سال ۱۹۹۳ بشقاب هایی به قطر ۱/۸ متر نیز تصویر واضحی دریافت می کردند. افزایش قدرت پخش ماهواره ها به کاهش فزاینده اندازه و قطر بشقاب ها منجر شد و همزمان، قیمت دستگاههای رسیور (به دلیل تولید انبوه) کاهش یافت. نتیجه این تغییرات، بالا رفتن مطلوبیت ماهواره برای مصرف کنندگان در کل دنیا و از جمله ایران بود .

در حال، امروزه فشار ناشی از تقاضا برای خدمات متنوع و بهتر ماهواره ای (نظیر ارائه اینترنت با کیفیت باند وسیع، ارتباطات صوتی و تصویری بین فردی و پخش رادیو - تلویزیونی) و گسترش روز افزون بازار و در نتیجه سود آوری قابل توجه، صنایع ماهواره ای را به سرمایه گذاری و توجه جدی به امر تحقیق و توسعه رهنمون شده است و از این رو، علیرغم شکست برخی از برنامه های ماهواره ای در سال های آخر قرن بیستم، بسیاری از متخصصان و دانشمندان بر این باورند که ماهواره ای ارتباطی و مخابراتی در آینده شاهد نوآوری های جدید بود و نقش و حضور گسترده تری در عرصه ارتباطات فردی و جمعی جهانی خواهند داشت. سرعت رشد فناوری ماهواره ای به حدی است که سیاستگذاری ملی و بین المللی، براساس نظر برخی از متخصصان، مانع اصلی به کارگیری قابلیت های فنی فعلی است. به عبارت دیگر، حتی در حال حاضر، امکانات فنی ماهواره ها بسیار بیشتر از میزان عملی شدن فعلی آن است و علت اصلی توقف نسبی برنامه های جدید را باید در ممنوعیت ها و محدودیت های ناشی از سیاست های ملی و بین المللی جستجو کرد نه در امکانات فنی و سرمایه در دسترس.

در حال، پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی از طریق ماهواره ها در طول ده سال گذشته به عنوان یک مسئله جهانی مورد توجه کشورهای مختلف قرار گرفته و در این میان، کشورهای دارای حساسیت ها و ملاحظات فرهنگی (به ویژه از منظر ارزش های سنتی ملی یا مذهبی) و سیاسی توجه بیشتری به این مبذول داشته اند. پیامدهای فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی مورد انتظار طیف وسیعی از سیاست ها را در کشورهای آسیایی (به ویژه کشورهای اسلامی) پدید آورده است که از پذیرش مطلق تا طرد کامل را شامل می شود.

نکته حائز اهمیت این است که طبقه بندی سیاست هادر منابع متعدد با توجه به محورها و شاخص های مختلف صورت گرفت و از این رو در کشور را محققان در طبقات بسیار متفاوتی قرار دادند. این تفاوت ها به یک واقعیت بسیار مهم نیز اشاره به سیاست ماهواره ای کشورهای آسیایی در یک مدت بسیار کوتاه بین ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ (۱۳۷۲ تا

۱۳۷۵) دستخوش تغییرات بسیاری شد که اغلب حاکی از حرکت سیاسی از دو سوی افراطی طیف پذیرش مطلق/ طرد کامل به سوی نقاط بینابینی بود. در طول این سال ها، بسیاری از کشورهایی که ماهواره را ممنوع دانسته بودند از طریق راه اندازی شبکه های تلویزیونی زمین یا ماهواره ای به جستجوی راههای مناسب برای ارائه برنامه های جذاب تلویزیونی (داخلی یا خارجی) به شهروندان خود پرداختند. کشورهایی نیز که ماهواره را (به طور مطلق یا با وضع مالیات یا عوارض) آزاد دانسته بودند، به تدریج وارد رقابت شده و هدف اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی به جذب شهروندان خویش و در نتیجه دور کردن آنها از کانال ها و شرکتهای رقیب دست زدند. به عبارت دیگر، سیاست ماهواره ای مبتنی بر "آزادی قانونی" یا "ممنوعیت قانونی" در اغلب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه (و در سطح آسیا و حتی کشورهای اسلامی و کشورهای استقلال یافته آسیای میانی) به عنوان یک سیاست کامل و مطلق نگریست نشده و تلاش برای جذب مردم کشور به شیوه های مختلف انجام گرفته است.

در حال حاضر، کشورهایی نظیر ترکیه، اندونزی، مالزی، پاکستان، هند، سریلانکا، ژاپن، چین و اغلب کشورهای عرب زبان، با بهره گیری از سیستم های مختلف (برحسب منبع محتوا، میزان اعمال تغییر در محتوا، مالکیت و مدیریت سازمان های مربوطه، بخش زمینی یا ماهواره ای و ...) از کانالهای ماهواره ای موجود برای تامین خواسته و نیازهای مخاطبان داخلی خود بهره می گیرند. برخی از کشورها نیز هدف فوق را با اجرای برنامه های مشترک پی گیری می کنند. برای مثال، در کشورهای عرب زبان چند شرکت بین الدولی یا خصوصی (نظیر عرب است، شبکه الجزیره، ANN, MBC و ...) وظیفه تهیه برنامه ها را از منابع داخلی یا جهانی برای پخش ماهواره های کشورهای تحت پوشش خود بر عهده گرفته اند. با این توضیح کلی، بهتر است به بررسی وضعیت بهره وری از فناوری ماهواره ای در چند کشور آسیایی پردازیم و سپس درس های احتمالی حاصل از تجارب این کشورها را برای ایران به بحث بگذاریم.

وضعیت فعلی ماهواره در کشورهای آسیایی

همان گونه که قبلاً ذکر شد، اغلب کشورها از وسط دهه ۱۳۷۰، نامه هایی را برای بهره وری ملی از ماهواره به اجرا گذاشته اند - خواه این کشورها دریافت سایر کانال ها را ممنوع کرده و یا به انتخاب شهروندان واگذار کرده اشند - اما بهتر است در ابتدا، انواع بهره وری از ماهواره را مشخص کنیم. در دهه اول می توان سه نوع بهره وری ملی را از ماهواره نشان داد: الف) استفاده از ماهواره برای پخش مستقیم برنامه کانال های تلویزیونی ملی در داخل کشور، این اقدام برای فائق آمدن بر موانع طبیعی گسترش پوشش شبکه های تلویزیونی ملی به نقاط دور دست و کم جمعیت یا بالا بردن کیفیت در یافت برنامه ها توسط بسیاری از کشورها (نظیر هند و استرالیا) صورت گرفته است، ب) استفاده از ماهواره برای پخش مستقیم برنامه کانال های تلویزیونی ملی یا کانال های تازه تاسیس (با هدف خاص) در این کشورها. معمولاً پخش ماهواره ای برنامه های تلویزیونی برای سایر کشورها، به منظور حضور جهانی فرهنگ کشور مبدأ، اطلاع رسانی هانی، تاثیر بر افکار عمومی کشورهای مقصد و یا به ویژه با هدف ارائه برنامه های تلویزیونی به جمعیت های مهاجر ساکن در کشورهای ساکن در کشورهای دیگر انجام می گیرد. پخش ماهواره ای شبکه خبر، شبکه های جام جم و شبکه های سحر ایران به منطقه خاور میانه، اروپا و امریکا را می توان در این طبقه جای داد. امروزه تعداد زیادی از کانال های در دسترس را همین نوع کانال های تلویزیونی تشکیل می دهد.

بدیهی است دو نوع بهره وری فوق نمی تواند تاثیر چندانی بر میزان تمایل مردم به کانال های ماهواره ای خارجی و رواج غیر قانونی و کنترل نشده ی دستگاه های گیرنده داشته باشد. آن چه در این نوشتار به عنوان بهره وری ملی مطرح می شود نوع سوم است. ج) استفاده از برنامه کانال های ماهواره ای خارجی (ملی یا خصوصی، متعلق به کشور خاص یا جهانی) برای بالا بردن حجم، تنوع و کیفیت کانال های در دسترس مردم کشور. هدف این نوع بهره وری از ماهواره را می توان جبران نقصان های کمی و کیفی تولیدات و محتوای کانال های کنترل شده دانست که

برای جلوگیری از تمایل مردم به خرید و نصب تجهیزات دریافت ماهواره ای و در نتیجه، قرار گرفتن در معرض پیام های مخرب فرهنگی و سیاسی کانال های نامطلوب صورت میگیرد. تنها با نیل به این هدف است که می توان به اجرایی شدن سیاست ممنوعیت تجهیزات و کانال های کنترل نشده امیدوار بود و حتی در صورت آزادی مردم در بهره وری از تجهیزات دریافت ماهواره ای تا حد زیادی اطمینان داشت که حداقل حداکثر مردم به کانال های تلویزیونی و فرهنگ ملی خویش وفادار مانده و جذب پخش کننده های خارجی نخواهند شد.

این نوع بهره وری می تواند شامل طیف وسیعی از برنامه های عملیاتی مربوط به ویژگی های محتوا و سازمان باشد. از نظر محتوا می توان تمام ژانرهای برنامه ای مورد نظر را از چندین روشی در دسترس مردم قرار داد: برنامه های خبری و گزارش، فیلم و سریال، برنامه های مستند، علمی و آموزشی، مسابقه و غیره. محتوای دریافت شده از منابع خارجی می تواند به زبان اصلی، با زیر نویس، به صورت دوبله شده و یا حتی (با استفاده از چند باند صوتی) همزمان به چند زبان پخش شود. در این روش امکان اعمال کنترل محتوایی سانسور (بر تمام انواع محتواها براساس اصول و سیاست های کشور مقصد به طور کامل وجود دارد. سازمان متولی راه اندازی و بهره وری از چنین سیستمی نیز می تواند به اشکال مختلف سازماندهی شود. با تعیین معیارهای مشخص و لازم الاجرا نظارت بر خصوصی ترین شکل مالکیت سازمانی میسر خواهد شد. از نظر تعداد نیز می توان یک یا چندین ساختار را به وجود آورد تا امکان برخورداری مردم از مزایای رقابت کنترل شده (کیفیت بالاتر خدمات یا هزینه کم تر) فراهم آید. محل استقرار ساختار را به وجود آورد تا امکان برخورداری مردم از مزایای رقابت کنترل شده (کیفیت بالاتر خدمات یا هزینه کمتر) فراهم آید. محل استقرار ساختارها و بخش اداری و فنی زمینی نیز می تواند در هر نقطه از کشور یا حتی در یک کشور خارجی انتخاب شود. بدیهی است که این تصمیم تابع ملاحظات اقتصادی، نیروی انسانی و سیاسی عدیده ای خواهد بود اما در هر حال، محدودیت خاصی از نظر محل استقرار وجود ندارد. پخش مجدد نیز می تواند از طریق ایستگاههای زمینی کابلی یا ماهواره عملی شود. همان گونه که مشاهده می شود، تمام اجزای ساختار رسانه ای (خواه مربوط به محتوا یا سازمان) قابل مطالعه سیاست گذاری است و با توجه به ملاحظات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی می توان اشکال بسیار متنوع را در تصور و پیگیری کرد. کشورهای دیگر نیز با توجه به ملاحظات خاص خود یکی یا چند مدل را انتخاب و اجرا کرده اند. در ادامه، وضعیت بهره وری از ماهواره در چند کشور آسیایی و مدل های خاص هر یک تشریح می شود. شایان ذکر است که محدودیت اطلاعات و منابع، مانع از تشریح و تحلیل دقیقتر این مدل ها می شود.

در پاکستان، کانال (NTM) با عقد یک قرارداد ده یکساله با تلویزیون این کشور (در سال ۱۹۹۴) برنامه های کانال های CNN و BBC را پس از حذف صحنه های نامناسب به طور ۲۴ ساعته پخش می کند. شبکه خصوصی ETV نیز که روزانه ۶ ساعت برنامه پخش می کند، ۱۰٪ خصوصی و متعلق به اتباع پاکستانی است که با سرمایه ای حدود ۶/۵ میلیون دلار راه اندازی شده و برنامه های خود را از سنگاپور به طور همزمان در ماهواره های آسیاست و استار پلاس ارائه می کند. برنامه های این شبکه ها تحت سانسور و کنترل است اما با توجه به آنکه در پاکستان محدودیتی بری خرید و نصب دستگاههای ماهواره ای وجود ندارد-راه اندازی شبکه های فوق و بویژه NTM، گرایش به خرید گیرنده های ماهواره ای را به شدت کاهش داده است.

در ترکیه، با وجود صدها شبکه تلویزیونی سراسری و منطقه ای (دولتی و خصوصی)، حدود ده کانال ایستگاههای رله ی زمینی برای ساکنان مناطق مختلف (بویژه شهرهای بزرگ استانبول و آنکارا) یا مشترکان شبکه های کابلی پخش می شود در این کشور محدودیتی برای استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره ای وجود ندارد.

در سریلانکا یک شرکت خصوصی برنامه شبکه های وابسته به BBC (به ویژه برنامه های خبری و ورزشی) را به صورت ۲۴ ساعته رله و پخش می کند و در حال حاضر حدود ۸۰ درصد کل کشور را تحت پوشش قرار داده است. هم چنین، سریلانکا تحت پوشش دو شبکه ی ETV-۱ و ETV-2 قرار دارد که اولی، به اخبار و گزارش های خبری و دومی، به برنامه های ورزشی و نیز فیلم ها و سریال های آمریکایی اختصاص دارد. در این شبکه ها گونه سانسوری اعمال نمی شود اما خود شبکه ها فرهنگ مخاطبان را مورد توجه قرار می دهند.

چین از جمله کشورهایی است که تجهیزات دریافت برنامه های ماهواره ای را غیر مجاز اعلام کرده اما با توجه به گستردگی جغرافیایی و کثرت جمعیت اقدام به راه اندازی سیستم های ماهواره ای برای پخش مستقیم کانال های خود کرده است. در این کشور از بشقاب ها و رسیور های خاص برای دریافت کانال های ملی استفاده می شود. و به کار گیری سایر دستگاهها ممنوع است. در تایلند، حدود ده کانال تلویزیونی داخلی وجود دارد که حجم زیادی از برنامه های خود را به برنامه های خارجی اختصاص می دهند. و آن را به صورت دوبله (و همراه با زبان اصلی با موج FM رادیویی یا دو زبانه ی تلویزیونی) پخش می کنند.

به علاوه شرکت UBC به صورت یک شرکت سهامی متولی تلویزیون کابلی و ماهواره ای است که دهها کانال بین المللی فیلم، ورزشی، سرگرمی و خبری را با استفاده از سیستم توزیع کابلی و ماهواره ای پخش می کند. سیستم کابلی در بانکوک و برخی از شهرها و سیستم ماهواره ای در سراسر کشور در دسترس قرار دارد. ۸۶ شرکت مجاز نیز به صورت محدود و محلی خدمات تلویزیونی کابلی را ارائه می دهند که متوسط مشترکان هر یک از آنها ۱۵۰۰ نفر تخمین زده می شود. در تمام کانال های تلویزیونی شرکت UBC آگهی های تجاری و مطالب غیر اخلاقی یا مغایر با موازین امنیت ملی و نظم اجتماعی سانسور می شود.

در کشور اندونزی، چند شرکت خصوصی تلویزیونی برنامه های خود را به صورت ملی یا محلی به مشترکان و دریافت کنندگان خود ارائه می دهند. برخی از این شبکه ها از سیستم پخش کابلی استفاده می کنند و خدمات اینترنتی را نیز در دسترس مشترکان خود قرار می دهند. در این کشور، استفاده از تجهیزات ماهواره ای کاملاً آزاد است و هیچ گونه محدودیت قانونی وجود ندارد، به طوری که حتی برخی از شبکه های ماهواره ای خارجی، مانند شبکه ی استار که در هنگ کنگ مستقر است، برای این کشور برنامه ویژه پخش می کند. در حال حاضر، کلی رسانه های جمعی در اندونزی مورد رضایت دولت و احزاب نیست و اقدامات قانونی برای اجرای برنامه های اصلاحات در حال پی گیری است.

کشور سنگاپور؛ با وجود قرار گرفتن در چهار راه تجاری و ارتباطی جنوب شرقی آیا، قوانین ویژه ای برای محدودیت اطلاعات و فعالیت رسانه دارد. در این کشور، نصب تجهیزات ماهواره ای توسط افراد و حتی ادارات (غیر از شرکت ها، سفارتخانه های خارجی، سازمانهای رسانه و وزارتخانه های دولتی) ممنوع است. اما تلویزیون کابلی رواج بسیاری دارد و حداقل ۱۸ شرکت به توزیع کابلی دهها کانال تلویزیونی به مشترکان خود می پردازند. محتوای این کانال ها با توجه به ارزش های فرهنگی جامعه سنگاپور کنترل می شود و در خصوص اهانت به مذاهب و ملت ها، پخش سکس، خشونت و مواد مخدر محدودیت های ویژه ای اعمال می شود.

قطر، در سال ۱۹۹۳، به سازمان ارتباطات راه دور خود اجازه داد تا یک شرکت تلویزیونی کابلی بی سیم (QVC) را راه اندازی کند. این شرکت که امتیاز انحصاری خدمات تلویزیون کابلی را تا سال ۲۰۱۳ در اختیار دارد، در حال حاضر، ده کانال تلویزیونی ملی و خارجی (عربی، امریکایی، اروپایی و آسیایی) را در اختیار مشترکان خود قرار می دهد. برخی از این کانال ها عبارتند از: MBC و ESC، CNN، PTV2، DTV، Discovery، BBC World. اقدام اخیر قطر نسبت به رفع ممنوعیت خرید و نصب تجهیزات دریافت ماهواره ای برای شهروندان، از تعداد مشترکان و در آمد QVC کاسته است.

مالزی با راه اندازی شرکت ماهواره ای ASTR در سال ۱۹۹۵، یکی از پیشرفته ترین سیستم های ماهواره ای ملی را در قاره آسیا به وجود آورده است. این شرکت با بودجه ای در حدود ۷۰۰ میلیون دلار، توسط دولت تاسیس شده و اداره می شود. در حال حاضر، شبکه ی ماهواره ای آسترو، ۳۸ کانال تلویزیونی و ۱۶ کانال رادیویی را از طریق ماهواره ای خود برای کل کشور و کشورهای منطقه (مانند اندونزی، سنگاپور و تایلند) پخش می کند. استفاده از سیستم دیجیتالی و استفاده از ماهواره های با قدرت پخش بالا، دریافت این کانال ها را با استفاده از بشقاب کوچک ۶۰ سانتیمتری عملی کرده است. هم چنین برای حفظ منافع مالی رسیورهای خاصی طراحی شده است. این شرکت در حال حاضر ۸۰۰۰۰۰ مشترک داخلی (و نیز ۱۰۰۰۰۰ مشترک در کشور بروئی) دارد و برنامه ها را از طریق تعداد بسیار زیادی از شبکه های جهانی تهیه و پس از نظارت و کنترل دقیق

و مستمر پخش می کند. در این کانال ها آگهی های تبلیغاتی خارجی، صحنه های خشونت بار و مستهجن ، تبلیغ مسیحیت و موارد مشابه دیگر ممنوع است .

برای کنترل محتوایی برنامه ها از سه روش سانسور متفاوت استفاده می شود؛ در مواردی برنامه از ماهها قبل مورد بازبینی قرار گرفته و به شرکت اصلی اجازه پخش داده می شود. برخی از کانال های خبری، ورزشی و سرگرمی (به ویژه کانال کارتون برای کودکان) با تاخیر و با سانسور هم زمان و برخی از کانال ها با تاخیر نیم ساعته تا یک ساعته به پخش برنامه می پردازند. در مواردی این تاخیر می تواند تا چند ساعت ادامه یابد (مانند روش پخش شبکه الجزیره). در هر حال، هر برنامه که نیازمند سانسور بیش از ۵ دقیقه باشد به طور کامل حذف شده و برنامه دیگری جایگزین آن می شود. در کشور مالزی تجهیزات ماهواره ای شرکت دیگری غیر از شرکت سترو ممنوع بوده و طبق قانون متخلفان به جریمه نقدی تا ۲۵۰۰۰ دلار محکوم می شوند .

بررسی وضعیت ماهواره پخش مستقیم در این کشورها نشان می دهد ، بهره وری از برنامه های مطلوب و مورد قبول ماهواره ای جزء بسیار مهمی از سیاست ماهواره ای تمام کشور است و در واقع ممنوعیت مطلق یا آزاد سازی بدون محدودیت را بدون تمهید روش های مناسب برای استفاده شهروندان نمی توان یک سیاست کامل و موفق دانست . یک عنصر و مولفه بسیار مهم در سیاست ماهواره ای، تمایل و خواست مردم برای دسترسی به برنامه های (غالباً مطلوب و مثبت) ماهواره ای است و عدم توجه به این خواست عمومی سیاست ممنوعیت مطلق را غیر قابل اجرا خواهد کرد . از سوی دیگر ، سیاست آزادسازی مطلق و بدون محدودیت نیز شهروندان مشتاق برنامه های مطلوب و مثبت را در دنیای رسانه ای انباشته از پیام ها و محتواهای نامطلوب و زیانبار رها خواهد ساخت. پاسخگویی به خواسته های رسانه ای مردم اصلی ترین محور سیاستگذاری رسانه ای است و این ضرورت ملی به بهترین نحو با راه اندازی سیستم تحت کنترلی که تابع سیاست ها و ملاحظات فرهنگی، سیاسی و ملی باشد تحقق می یابد.

هر یک از کشورهای مورد بررسی، براساس ساختار جمعیتی، ویژگی های فرهنگی و ژئوپلیتیک، ساختار سیاسی و ملاحظات مذهبی و ملی خویش، اشکال متنوعی از یستم های بهره وری از برنامه های مطلوب ماهواره ای ایجاد کرده اند . این کشورها با انتخاب نوع محتوا، منبع تامین محتوا، زبان پخش، سانسور محتوایی و هم چنین نوع مالکیت و تکثیر سازمان های مربوطه برنامه ها را تهیه و پاکسازی کرده و سپس با روش های مناسب و در دسترس (زمینی، کابلی یا ماهواره ای) در اختیار شهروندان خود قرار می دهند. به نظر می رسد تنها در چنین شرایطی می توان به پایبندی شهروندان به قوانین جاری امیدوار بود و از آشفتگی اطلاعاتی، هنجاری و رفتاری مردم در یک محیط فاقد قوانین محدودیت زا نهراسید.

مسئله ماهواره در ایران: گذشته، حال و آینده

از هر منظر و با هر رویکرد سیاسی و فرهنگی که به وضعیت ماهواره و تجهیزات دریافت کانالهای تلویزیونی و رادیویی خارجی در ایران نگریسته شود باید آن را نامطلوب و بحران زا دانست با وجود گذشت بیش از هشت سال از زمان تصویب " قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات در یافت از ماهواره" در تاریخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۶ (و ابلاغ آیین نامه اجرایی آن در تاریخ ۱۳۷۴/۰۱/۲۱ توسط هیات دولت) بر اساس برخی تخمین های غیر رسمی، بیش از سه میلیون دستگاه رسیور و بشقاب در کشور وجود دارد. در حالی که در طول مدت اجرای قانون تنها کمتر از ۷۰۰۰۰ دستگاه کشف و ضبط شده است . در حال حاضر حدود ۱۵ میلیون ایرانی در خلوت خانه خود دسترسی کنترل شده ای به برنامه های صدها کانال تلویزیونی پخش شده توسط ده ها کشور و شرکت خصوصی دارند. خطر بدآموزی اخلاقی و رفتاری به ویژه نسل جوان و خانواده ها را تهدید می کند و به دلیل ممنوعیت ، والدین و تمام مردم از انتقال تجارب به یکدیگر و آموزش نحوه بهره وری مطلوب و کاستن از میزان خطرات و بدآموزی محرومند.

شاید بسیاری از سیاستگذاران و فعالان سیاسی و فرهنگی علت شرایط جاری را به قانون ممنوعیت نسبت داده و از این منظر ، تغییر قانون و رفع ممنوعیت را راه حل وضعیت موجود بدانند. در واقع، قانون فوق از زمان طرح اولیه آن

تا امروز مورد بحث و مناقشه بسیار بوده است. موافقان این قانون بر آن بودند که برنامه های ماهواره ای عمدتاً مخرب، مبتذل و عامل اصلی زدودن ارزش ها و معیارهای اصیل اسلامی و ملی است. در مقابل مخالفان نیز دلایلی نظیر اجرایی نبودن قانون به دلیل پیشرفت فنی را یادآور می شدند. اما بررسی مشروح مذاکرات نشان می دهد که هیچ یک از دو گروه موافق و مخالف قانون ممنوعیت، آن را مطلق و نقطه پایان وضعیت ماهواره نمی دانستند و حتی موافقان آن را اقدامی موقتی و تاخیری قلمداد می کردند تا فرصت مناسب برای تقویت و آماده سازی دستگاه های فرهنگی کشور فراهم آید. مشروح مذاکرات نشان می دهد راهکارهای عریضه ای برای برخورد با پدیده پخش مستقیم ماهواره ای.

اندیشیده شده بود که باید مورد پی گیری قرار می گرفت. ماده ۵ قانون ممنوعیت، سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (موسسه رسانه های تصویری) را مجاز به ضبط و پخش برنامه های غیرمغایر با ارزش ها و مبانی فرهنگی اسلامی و ملی دانست و ماده ۴، تمام دستگاه های فرهنگی کشور را موظف به مطالعه و تبیین آثار مخرب استفاده از برنامه های منحرف کننده در جامعه ساخت. همچنین ماده ۱۰ قانون ممنوعیت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را موظف کرد تا با همکاری وزارت پست و تلگراف و تلفن و سازمان های ذی ربط از اهرم های حقوقی و بین المللی در جهت حراست از مرزهای فرهنگی کشور و حفظ کیان خانواده علیه برنامه های مخرب و مبتذل ماهواره اقدام کند.

با بررسی مشروح مذاکرات و متن مصوب قانون ممنوعیت سال ۱۳۷۳ می توان آن را علت اصلی شرایط نابسامان ماهواره در کشور تنها ریشه در قانون فوق ندارد و حتی نمی توان آن را علت اصلی شرایط جاری دانست علت اصلی، عدم اجرای کامل قانون و به ویژه مواد ۴، ۵ و ۱۰ (بالاخص ماده ۵) قانون فوق است. در واقع سیاست های به نسبت جامع موجود در قانون فوق، پس از تصویب به فراموشی سپرده شد و راهبرد ماهیتاً کوتاه مدت و جانبی ممنوعیت، بزرگ نمایی و تبدیل به یک سیاست به ظاهر تمام عیار گردید.

البته می توان بخشی از علت خطای جایگزینی راهبرد به جای سیاست جامع را به متن قانون فوق منتسب کرد. این قانون به هیچ وجه راهکارهای نظارتی مناسبی برای اجرای مواد ۴، ۵ و ۱۰ پیش بینی نکرده بود و با توجه به ماهیت و قابلیت دستگاه های اجرایی مربوطه و ضعف شدید نظام عالی کشور شاید بتوان عدم اجرای کامل قانون مورد بحث را مورد انتظار دانست.

در هر حال، از زمان تصویب قانون ممنوعیت تا به حال، تقریباً همه مسئولان عالی رتبه نظام، شخصیت های سیاسی و فرهنگی و احزاب و جناح های سیاسی لزوم بهره وری مناسب از ماهواره و برنامه های مثبت آن را مورد تأکید قرار داده و عدم امکان علمی و فنی اجرای قانون ممنوعیت و جمع آوری دستگاه های دریافت را گوشزد کرده اند. اصول کلی فوق مورد تأیید و تأکید مردم نیز قرار دارد. شایان ذکر مجدداً است که مردم مجری اصلی و نهایی قانون و سیاست ماهواره ای هستند و توجه جدی به خواست و نگرش آنان اهمیت فراوان دارد چرا که در صورت عدم همکاری مردم، مجریان اصلی قانون به مجرمان اصلی آن تبدیل خواهند شد.

نظر سنجی انجام شده در سال ۱۳۷۳، در شهر تهران نشان داد از نظر پاسخگویان مهم ترین علت گرایش به استفاده از ماهواره ضعف امکانات تفریحی و سرگرمی در جامعه و به ویژه ناتوانی برنامه های صدا و سیما در بر آوردن نیازهای اقشار مختلف (از نظر برنامه های تفریحی و خبری) بوده است. پاسخگویان مهم ترین راه مقابله با خطرات ناشی از ماهواره را استفاده از ابزار فرهنگی دانستند: تقویت کمی و کیفی برنامه های صدا و سیما، بالا بردن سطح آگاهی مردم و گسترش زیر ساخت و امکانات فرهنگی در جامعه نظر سنجی دیگری در همین سال نشان داد ۳۵ درصد پاسخگویان عدم رضایت کامل از برنامه های تلویزیون را عامل گرایش مردم به ماهواره ها دانستند. یک نظر سنجی دیگر در سال ۱۳۷۶ نشان داد نگرش مردم (به ویژه مردان) نسبت به استفاده از ماهواره در حد متوسط بوده است. در حالی که بیشتر مردم نسبت به برخی خطرات ماهواره آگاهی داشته و استفاده از ماهواره را در سطح جامعه و به ویژه توسط نوجوانان و جوانان موجد بد آموزی و مخاطرات فرهنگی دیگر می دانند. نظر سنجی های سال ۱۳۸۰ شهر تهران نیز نتایج مشابه و ثابتی را نشان می دهد.

نتیجه گیری

به طور خلاصه می توان گفت نظریه های ابرار شده توسط مسئولان عالی رتبه نظام، نمایندگان مجلس، دستگاه های اجرایی، متخصصان و مردم در طول سال های گذشته در اصل بنیادین و به هم پیوسته را در بر داشته اند: ضرورت بهره وری مناسب از برنامه های مطلوب ماهواره ای و مبارزه همزمان با رواج و دریافت کنترل نشده کانال های

مخرب و نامطلوب. قانون مصوب سال ۱۳۷۳ نیز هر دو اصل فوق مد نظر داشته و به عنوان اجزای مکمل سیاست ماهواره ای ایران اتخاذ کرده بود اما آنچه در عمل اتفاق افتاد ممنوعیت قانونی تجهیزات دریافت از ماهواره، در راستای اصل دوم بود که به دلیل نادیده گرفته شدن اصل نخست، مورد قبول بهره وران غیر قانونی قرار نگرفت و از سوی آنان حمایت نشد.

بررسی وضعیت ماهواره در سایر کشورهای آسیایی نشان می دهد دو ضرورت یاد شده الزاماً جامع نیستند و در صورت تمهید روش ها و ساختارهای مناسب می توانند مکمل یکدیگر نیز باشند. ممنوعیت مطلق، ضرورت و اصل بهره وری را فدا می کند و آزادی بدون کنترل، ضرورت و اصل مقابله با آثار سوء را و از این رو، هیچ یک قابل اجرا و پذیرش نیستند. بدیهی است که محتوا و سازمان مورد نظر بهره وری باید با توجه به ملاحظات دینی و فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی کشور ما و با تحقیق علمی پیش بینی و تعیین شود.

منابع و ماخذ:

منابع فارسی

- کاستلز،م. (آ ۱۳۸۰)، عصر اطلاعات : اقتصاد ، جامعه و فرهنگ ، ج ۱: ظهور جامعه شبکه ای ، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز ، تهران : طرح نو.
- کاستلز،م. (ب ۱۳۸۰) عصر اطلاعات : اقتصاد ، جامعه و فرهنگ ، ج ۲: قدرت هویت ، ترجمه حسن چاوشیان ، تهران : طرح نو.
- کاستلز،م. (ب ۱۳۸۰) عصر اطلاعات : اقتصاد ، جامعه و فرهنگ ، ج ۳: پایان هزاره ، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز ، تهران : طرح نو.
- مک کوایل،د. (۱۳۸۰)، مخاطب شناسی، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳)، نظر سنجی از مردم تهران درباره ماهواره. تهران، واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات.
- واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (دی ۱۳۷۳)، نظر سنجی درباره ماهواره، تهران، واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات.
- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶)، بررسی نگرش مردم نسبت به استفاده از ماهواره، مجری سیروس فخرایی، تهران: واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات.

منابع انگلیسی:

- Barber>R.(1998)"Three scenarios for the future of technology and strong democracy". Political science quarterly. 113(4):573-590
- Collins.R. (1994).Broadcasting and audio virtual policy in the European single market.London:john libbey.
- Cuilenberg.J.V& Slaa.P.(1993),From media policy towards a national communications policy. Broadening the scope ,European journal of communication. 8(1)149-176
- Humphreys ,P.J.(1996).Mass media policy in western Europe ,Manchester UK:manchester university press.
- Johnson freese ,J.(2001),Mixed prospects for satellite communications in the Asia pacific ,pacific telecommunications review.22(1):226
- Karhigesu,R.(1994).Broadcasting deregulation in Asia nations, media culture , & society.16(1) 73-90
- Man chan. J.(1994)National responses and accessibility to start TV in Asia. Journal of communications.44(3).112-131
- Mcquail.D(1994). Mass communication theory . 3th ed. London:sage.
- Negroponte, N.(1995).Being Digital. New York: Knopt.
- Nickelson, R.(2001)satellite systems for the next decade, pacific tele communications review, 22(1):39-48
- Pristua. R.H (1993). Policy research , in roger wimmer & R.J. domic(eds). Mass media research .belmont , calif: wadsworth publishing.

- Rheingold, H.(1993), the virtual community: homesteading on the electronic frontier . reading. Mass: addition Wesley.
- Siune ,K. & Mcquail , D.(1986). Media policy in transition , in denis Mcqu & K siune (eds)new media politics: comparative perspectives in western Europe. London :sage.
- slack, E.(2001), A Brief history of satellite communications , pacific telecommunications review , 22(1):7-21
- UNESCO (1997), World communications report: the media and challenge the new technologies. Paris:UNESCO.
- UNESCO (1999), World communications report technologies. Paris:UNESCO.
- Wilheim , A.G.(2000)Democracy in the digital Age: Challenges to political life in cyberspace .New York : Routledge.
- Williams , F.(1987), technology and communications behavior, Belmont,wadsworth.

پی نوشت ها:

۱. در این خصوص برای مثال نک: UNESCO (1999,1997), Williams (1987)
۲. نک : کاستلز(۳ج, ۱۳۸۰), مک کوایل (۱۳۸۰)
۳. نک : کاستلز(۳ج, ۱۳۸۰), Rheingold (۱۹۹۳)
۴. در این خصوص برای مثال نک:Negropoint(1995), Dyson(1997), Wilhem(2000)
۵. برای مثال , نک: Barber , (1998)
۶. برای مثال , نک : Man chan (1994), Siune McQuail (1986), Paristua(1993)
۷. در خصوص سیاستها و قوانین بین الملل ماهواره سازمان های زیر نقش مهمی بر عهده دارند . اتحادیه مخابرات (ITU) . کمیته ماورای جو سازمان ملل(UNOSC). سازمان جهانی حقوق معنوی(WIPO). کنفرانس جهانی مدیریت رادیویی(WARC) . یونسکو . سازمان ملل اجلاس عمومی.
۸. بر اساس این ضرورت , وزارت پست و تلگراف و تلفن و نیز سازمان صدا و سیما فعالیتهای وسیعی در سازمانها و کنفرانسهای جهانی داشته اند . سازمان صدا و سیما از پاییز سال ۱۳۷۶ یک گروه مطالعات حقوقی را مشغول مطالعه حقوق بین الملل مربوط به پخش مستقیم ماهواره ای کرده است. تا به حال دو جلد گزارش از این گروه با عناوین " حقوق بین الملل و پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای" و " چالش های حقوقی پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای در نظام ملی و بین المللی" توسط انتشارات سروش و هر دو در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است.
۹. نک: Guilenburg & Slaa (1993)
۱۰. نک: MnQuail (1994) , Collins (1994),Pristua (1993)
۱۱. Man chan (1994), Humphreys (1996)
۱۲. نک: McQuail (1994)
۱۳. برای مثال , نک : Slack(2001)
۱۴. برای مثال , نک : Johnson-Freese(2001)
۱۵. نک: Collins (1990)
۱۶. Man chan (1994)
۱۷. نک: Nichelson (2001)
۱۸. نک: Johnson-freese(2001)
۱۹. نک: Kathigesu (1994) , man chan (1994)
۲۰. در این بخش از منابع متعدد بسیاری استفاده شده است و از این رو , برای هر مورد منابع خاصی ارائه نشده است.
۲۱. صدا و سیما(۱۳۷۳), نظر سنجی از مردم تهران در باره ماهواره.
۲۲. واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات مرکز صدا و سیما (دی ۱۳۷۳) , نظر سنجی درباره ماهواره.
۲۳. صدا و سیما(۱۳۸۶), بررسی نگرش مردم نسبت به استفاده از ماهواره.

۲۴. برای مثال ، نک: موسسه ملی پژوهش افکار عمومی (۱۳۸۰) بهره مندی و نگرش مردم نسبت به ماهواره، خلاصه ای از این گزارش در روزنامه نوزاد ۱۳۸۰ /۱۲/۲۰ منتشر شده است